

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پژوهشکده زبان‌شناسی
گروه فرهنگ و زبان‌های باستانی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته فرهنگ و زبان‌های باستانی

اردیبهشت یشت و دعای ائیریمایاشیو

استاد راهنما :

دکتر زهره زرشناس

استاد مشاور :

دکتر کتابون مزداپور

پژوهشگر :

الهه حسینی ملایری

تیر ماه ۱۳۹۱

فهرست مطالب:

ز	کوتاه نوشته‌ها و نشانه‌ها
۱-۱۵	مقدمه
	فصل اول :
۱۶-۲۳	متن اوستایی اردیبهشت یشت و دعای ائیریمما ایشیو
	فصل دوم:
۲۴-۳۲	آوانویسی متن اردیبهشت یشت و دعای ائیریمما ایشیو
	فصل سوم:
۳۳-۳۹	ترجمه فارسی اردیبهشت یشت و دعای ائیریمما ایشیو
	فصل چهارم:
۴۰-۵۸	یادداشت‌ها
	فصل پنجم:
۵۹-۱۱۰	واژه‌نامه
۱۱۱-۱۱۴	کتابنامه
۱۱۵	چکیده به زبان انگلیسی

چکیده:

اردیبهشت یشت، سومین یشت اوستا که در ستایش اردیبهشت امشاسپند (و نیز دو دعای مهم زردشتی اشم و هو و ائیریمای ایشیو) است، با ۱۹ بند از یشت‌های کوچک به شمار می‌رود. این یشت را به این جهت که از نظر زبانی آشفته بوده و بعضی حالات صرفی کلمات با معنی آنها مطابقت ندارد، از یشت‌های متأخر به حساب می‌آورند. اردیبهشت به معنی بهترین اشه (راستی)، از زیباترین امشاسپندان و نمادی است از نظم جهانی و قانون ایزدی. او در گاهان و نیز یسن هفت ها نزدیک‌ترین امشاسپند به اهورا مزدا است، در حالیکه در اوستای متأخر و متون پهلوی بهمن جای او را می‌گیرد. فقط چهار بند اول این یشت مربوط به اردیبهشت امشاسپند است و تقریباً از بند ۵ به بعد در این یشت به توصیف و ستایش ایزد «ائیریمن» و دعای «ائیریمای ایشیو» پرداخته شده است.

ائیریمای ایشیو که بر اساس کلمات آغازی خود نام‌گذاری شده است، در ستایش ایزد ائیریمن است. ائیریمن/ اریمن/ ایرمان، ایزد دوستی و درمان‌بخشی است و از همکاران اردیبهشت به حساب می‌آید. او نخستین پزشک مینوی است که در برابر هزاران دردی که اهریمن می‌آورد، درمان عرضه می‌کند. این دعا همچون سه دعای دیگر دین زردشتی (یعنی اهورنور، اشم و هو و ینگه هاتام) به زبان اوستای گاهانی است. سه دعای دیگر در پایان یسن بیست و هفت، در آغاز گاهان قرار گرفته‌اند، ولی دعای ائیریمای ایشیو در یسن پنجاه و چهار و در انتهای گاهان قرار دارد.

این پژوهش شامل مقدمه، آوانویسی متن اوستایی، برگردان فارسی، یادداشت‌ها و واژه‌نامه این دو متن اوستایی است.

کوتاه نوشته‌ها:

رجوع کنید به	←
ریشه فعلی	√
توضیح بیشتر	()
به متن اضافه شده است	[]
واژه مربوط به دعای ائیریمای ایشیو می‌باشد	●
بارتلمه (واژه‌نامهٔ ایرانی باستان)	بار.

مقدمه:

اوستا، نام کتاب دینی زردشتیان است و به همین جهت زبان استفاده شده در این کتاب را اوستایی نامیده‌اند. واژه «اوستا» صورت تحول یافته *abestāg* فارسی میانه است. زبان اوستایی از زبان‌های ایرانی باستان است. از زبان‌های ایرانی باستان تنها آثار مکتوب دو زبان بر جای مانده است که عبارت‌اند از: فارسی باستان (به خط میخی در کتیبه‌های شاهان هخامنشی) و اوستایی.

درباره معنی و ریشه واژه اوستا نظرات مختلفی وجود دارد، که از جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: ۱- ترکیبی از پیشوند *a-* و صفت مفعولی *vistā-* از *vid-* «دانستن، شناختن» و هم‌ریشه با واژه «ودا» (راشد محصل ۱۳۸۲: ۲۳). ۲- نظر اشپیگل که آن را مشتقی از *vid-*^۲ *ā** و به معنی «دانش» می‌داند (رضایی باغبیدی ۱۳۸۸: ۲۶). ۳- نظر اشپیگل و یوستی مبنی بر هم خانواده بودن این واژه با واژه اوستایی *afsman-* «بیت» (همان: ۲۶). ۴- آندرئاس و گلدنر واژه اوستا را کلمه‌ای برگرفته از *upa-√stā-* * به معنی «پایه و اساس» می‌دانستند (همان: ۲۶). ۵- نظر بارتلمه که آن را از ترکیب *upa-√stāv-* * به معنی «ستایش» در نظر می‌گیرد (همان: ۲۶).

زبان اوستایی را نمی‌توان به هیچ یک از اقوام شناخته شده ایرانی نسبت داد. اوستا در واقع مجموعه‌ای متنوع از متون دینی است که در دوره‌های مختلف، در مناطق مختلف و توسط اشخاص مختلف پدید آمده است. از این رو، دست کم دو گویش متفاوت را می‌توان در آن بازشناخت: گویش گاهانی یا گویش اوستایی کهن، و گویش متأخر یا گویش اوستایی جدید. گویش گاهانی در گائاهای یا گاهان (یسن‌های ۲۸ تا ۳۴، ۴۳ تا ۵۱ و ۵۳، که جمعاً هفده سرود و منسوب به شخص زردشت است) و نیز در چهار دعای مقدس زردشتی به نام‌های *اشیم وُهو*، *اهونور*، *ینگه هاتام* (هر سه در یسن ۲۷) و *ائیریماییشیو* (در یسن ۵۴) به کار رفته است (جکسون ۱۳۸۳: ۹).

دیگر بخش‌های یسن‌ها و نیز بقیه قسمت‌های اوستا (یشت‌ها، ویسپرد، وندیداد و خرده اوستا) به گویش متأخر یا گویش اوستایی جدید است.

متون گاهانی که تقریباً یک ششم متون اوستایی را شامل می‌شوند، متونی هستند که نمایانگر زردشتی‌گری اصلی و عقاید خالص زردشت می‌باشند، در حالی که در اوستای جدید، علاوه بر عناصر زردشتی، نفوذ خدایان و باورهای ایرانی قبل از زردشت نیز دیده می‌شود.

پیدایی بخش‌های مختلف اوستا در ادوار مختلف و در مکان‌های مختلف، انتقال شفاهی آن در طول قرن‌ها، به کتابت درآمدن آن در زمانی که قرن‌ها از مرگ زبان اوستایی می‌گذشت، نسخه‌برداری‌های متعدد توسط موبدانی که گاه تسلط کافی به زبان اوستایی نداشته‌اند و بسیاری دلایل دیگر سبب شده است که اوستای موجود پُر از گونه‌های مختلف املایی، لایه‌های گوناگون زبانی، گونه‌های دخیل از دیگر زبان‌های ایرانی و حتی در مواردی اشتباهات دستوری باشد (جکسون ۱۳۸۳: ۱۲).

پس از ابداع خط اوستایی، موبدان همواره تلاش می‌کردند تا همه جزئیات آوایی واژه‌ها را دقیقاً به همان صورتی که شفاهاً آموخته بودند و با رعایت همه قواعد تجویدی نشان بدهند. به همین علت است که متن مکتوب اوستا همواره پر از جزئیات آوایی غیر ضروری و گاه صورت‌های تصحیف شده بوده است. در واقع خط اوستایی خطی شبه آوانگار است و در بسیاری از موارد واجگونه‌ها را نیز می‌نمایاند (جکسون ۱۳۸۳: ۱۲).

یشت از نظر لغوی هم ریشه با کلمه یسن (از *vyaz-* «ستودن، پرستیدن») است و معنای تحت‌اللفظی آن نیز «پرستش و نیایش» است. یشت‌ها سرودهایی هستند که عموماً به ستایش خدایان قدیم ایرانی مانند مهر، ناهید، تیشتر اختصاص دارند. اردیبهشت یشت سومین یشت اوستایی و در ستایش اردیبهشت یکی از بزرگترین امشاسپندان است. لازم به ذکر است که در میان امشاسپندان فقط اردیبهشت و خرداد دارای یشتی مختص به خود هستند.

اردیبهشت (اوستایی: aša vahišta) مرکب از اسم خنثی -aša به معنی «نظم، ترتیب، پاکی، تقدس، راستی، درستی، قانون ایزدی و نظم جهانی» و صفت عالی -vahišta از ستاک -vahu به معنی «نیک، خوب» است که آن را «بهترین اشته» معنی کرده‌اند. صورت فارسی میانه این واژه یعنی ardwhišt از صورت فرضی فارسی باستان arta wahišta* آمده است. اردیبهشت دومین امشاسپند و ایزد موکل بر آتش است و از اوقات روز، وقت نیمروز (= رَپیشوین) به او تعلق دارد. به نقل از بندهشن گیاه مرزنگوش که گل ویژه پزشکی است به او تعلق دارد. همکاران او ایزد آذر، سروش، بهرام و نریوسنگ هستند. دشمن و هم‌آورد او «ایندره/ ایندر» است.

اردیبهشت در تقویم زردشتی نیز مورد توجه بوده و ماه دوم سال و روز سوم هر ماه به او اختصاص دارد و به علت یکی شدن نام ماه و روز در سومین روز اردیبهشت ماه، جشن اردیبهشتگان برگزار می‌شود. نماز معروف اشم وهو نیز نماز آشا گفته می‌شود.

در برهان قاطع در ذیل مدخل اردیبهشت (صفحه ۱۰۱) چنین آمده است که: « اردیبهشت بضم اول، به معنی آتش است که به عربی نار خوانند ... نام فرشته‌ای هم هست که محافظت کوه‌ها کند و تدبیر امور و مصالح ماه اردیبهشت و روز اردیبهشت تعلق به او دارد، و بنابر قاعده کلی که در نزد فارسیان مقرر است که چون نام ماه با نام روز موافق آید آن روز را عید کنند و جشن سازند و آن را اردیبهشتگان هم خوانند. در این روز نیک است به معبد و آتشکده رفتن و از پادشاهان حاجت خود خواستن و به جنگ و کارزار شدن، و معنی ترکیبی این لغت «مانند بهشت» باشد، چه آرد به معنی شبیه و مانند آمده است و چون این ماه وسط فصل بهار است و نباتات در غایت نشو و نمو و گلها و ریاحین تمام شکفته و هوا در نهایت اعتدال است، بنابر این اردیبهشت خوانند».

اردیبهشت یشت با داشتن ۱۹ بند از یشت‌های کوچک اوستا محسوب می‌شود. از زبان و محتوای این یشت چنین به نظر می‌رسد که ظاهراً این یشت در دوره متأخرتری تدوین شده تا تعداد یشت‌ها به تعداد ایزدان ستایش شده در طول ماه هرچه بیشتر نزدیک شود. بویس (۱۹۸۷: ۳۹۱) دلایل متأخر بودن این یشت را سه مورد زیر می‌داند: ۱- در کتاب دینکرد ۸ پهلوی که دربردارنده خلاصه اوستای ساسانی است نام این یشت در میان دیگر یشت‌های فهرست شده در «نسک بغان یشت» اوستا وجود ندارد. ۲- زبان اوستایی به کار رفته در این یشت، زبان بسیار آشفته و رو به انحطاطی است. ۳- محتوای متن از نظر مضمون کهنه و تکراری بوده و به نظر می‌رسد که از وصله پینه و سرهم‌بندی کردن مطالب پراکنده ایجاد شده است.

ضمیمه‌های اردیبهشت یشت

در آغاز و پایان این یشت نمازها و دعا‌های ویژه‌ای ذکر شده است که تقریباً مشابه دیگر یشت‌ها است. در تعدادی از یشت‌ها گاهی قطعاتی از این نمازها چندین بار تکرار و گاهی از خواندن آن‌ها چشم پوشی شده است. این یشت ابتدا با دعایی به زبان پهلوی به نام «پنام یزدان» آغاز می‌شود. پس از آن قطعه *xšnaoθra ahurahe mazdā* می‌آید که در بند ۲ خورشید نیایش قرار دارد. سپس نماز معروف اشم‌وهو (*ašəm vohū*) که جای اصلی آن در بند ۱۴ یسن ۲۷ است می‌آید. پس از آن قطعه *frauarāne* معروف به یسن خستویی (در یسن ۱۲) و در انتها دعای معروف اهنور یا یثا اهو وئیریو (*yaθā ahū vairiiō*) (بند ۱۳ یسن ۲۷) می‌آید. تقریباً در انتهای این یشت و پایان بند ۱۸ دعای ینگه هاتام آمده که در اصل در بند ۱۵ از یسن ۲۷ واقع است. در بند ۱۹ نیز ابتدا دعای اهنور، سپس قطعه‌ای که با *yasnəmca* شروع می‌شود و در آن از اردیبهشت یاد شده، می‌آید. در ادامه نماز اشم وهو خوانده می‌شود و قطعه دیگری معروف به *ahmāi raēšca* می‌آید که بند ۱۸ خورشید نیایش است و در نهایت با خواندن دعای اشم وهو، یشت پایان می‌پذیرد.

تحلیل ساختاری اردیبهشت یشت

بندهای ۱ و ۲ قسمتی از یک مکالمه به صورت پرسش و پاسخ بین اهورا مزدا و زردشت است. به علت آشفته بودن متن مشخص نیست که آیا بند ۱ پاسخ بند ۲ و یا پرسشی نا تمام است.

بند ۳ و ۴ در وصف گرودمان و طبقات بهشت است که جایگاه اهورا مزدا، امشاسپندان و پرهیزگاران است و دروندان به آنجا راهی ندارند.

بند ۵ در ستایش دعای ائیریم ایشیو است. با این مضمون که هر که این دعا را بخواند، ائیریم ایشیو همه موجودات اهریمنی را برایش نابود می کند. در بند ۶ فهرستی از شیوه‌های درمانی ذکر شده است که مهمترین آنها را کلام مقدس می داند.

بندهای ۷ تا ۱۳ نیز در ستایش دعای ائیریم ایشیو است که با خواندن آن تمام بدکاران، دیوان، بدی‌ها، تباهی‌ها و بیماری‌ها می‌گریزند. ائیریم آنها را درهم می‌کوبد و نابود می‌سازد. همانطور که در بند ۱۳ گفته شده: «آن که از این دیوان یک هزار در یک هزار، یک بیور در یک بیور را بکشد. فریبکارترین دیوان، اهریمن پُرمِگ، از نیمه آسمان [به سوی] پائین سرنگون شود.» از نیرو و توان دعای ائیریم ایشیو و ایزد ائیریم سرانجام انگره مینو نابود می‌شود.

در بندهای ۱۴ تا ۱۶ صفات و خویشکاری ایریم به اردیبهشت نیز نسبت داده شده است و در بند ۱۷ اردیبهشت را هم‌اورد دروغ (druxš) دانسته، نابودی آن را طلب می‌کند و بند ۱۸ به ستایش اردیبهشت می‌پردازد.

از محتوای اردیبهشت یشت این چنین بر می‌آید که اردیبهشت امشاسپند و ایزد ایریمن دو ذات برتری انگاشته می‌شده‌اند که روان‌پزشکی و تن‌پزشکی به گونه‌ای نمادین تحت حمایت و نظارت ایشان بوده است. به سخن دیگر ظاهراً اعتقاد بر این بوده است که اردیبهشت امشاسپند روان انسان را تحت اختیار خویش دارد و تضمین کننده سلامت روان وی محسوب می‌شود، در حالی که ایریمن، ایزدی تلقی می‌شده است که سلامت جسم و تن انسان در گرو برخورداری از نظارت و حمایت وی تضمین می‌گردیده است. (صبوری ۱۳۹۰: ۱۱۱)

ائیریمای ایشیو یا ائیریمَن ایشیه، نامی است برگرفته از نخستین کلمات یسن ۵۴، در ستایش ایزد ائیریمن که از نیایش‌های بسیار مشهور و مهم زردشتیان است. در بخش‌بندی کنونی اوستا جزو گاهان نیست اما سبک نگارش این دعا حاکی از آن است که در اصل قسمتی از گاهان بوده است. در وندیداد ۱۰ بند ۱۱، این نیایش هم‌تراز نیایش گاهانی «اهونور» و جزو آن بخش از گاهان شمرده شده است که در طول مراسم یسنا باید چهار بار خوانده شود (vača čaθrušāmrūta = چهار بار گفته شده).

برخی از ایران‌شناسان در باره گاهانی بودن دعای ائیریمای ایشیو نظرات مختلفی دارند. «کلنز فقط متن دعای اهنور را جزء متون گاهانی بشمار می‌آورد و دیگر دعاها را در لهجه شبه‌گاهانی می‌داند. او همچنین دعای ائیریمای ایشیو را که در بند یک یسنای ۵۴ آمده است، متن گاهانی می‌داند» (گلدنر ۱۳۸۱: ۱۸).

اما بنابر نظر بویس (۱۳۸۲: ۶۰) دعای ائیریمای ایشیو را شاید یکی از نخستین شاگردان زردشت سروده باشد و سنت زردشتی، سرودن آن را به خود پیامبر نسبت نمی‌دهد. دوشن گیمن (۱۳۷۵: ۲۶۴) می‌گوید: «دعای اهنور ظاهراً بازتاب تعالیم ناب زردشت است و دعای ائیریمای ایشیو بالعکس نمایانگر مرحله التقاط‌گرایی است، زیرا توصیف ایزد ائیریمن است که زردشت او را نادیده گرفته بود و دو دعای دیگر هرچند از لحاظ لفظی هوشمندانه است، اما تعیین جایگاه آن دشوار است».

سه دعای اشم وهو، اهنور و ینگه هاتام، پیش از گاه اهنوئیتی (یسن ۲۸ تا ۳۴) می‌آیند ولی دعای ائیریمای ایشیو، پس از آخرین گاه (یسن ۵۳، وهیشتوایش گاه) و در یسن ۵۴ قرار دارد. کل این نیایش‌ها را، از اهنور تا ائیریمای ایشیو، استوت یسن/ ستئوت یسنیه (staota yesniia) به معنی «[کلام] ستایش و پرستش» می‌نامند و روحانی برگزار کننده مراسم یسنا می‌بایست آن را از بر بخواند.

ائیریمای ایشیو تنها دو بند دارد و بند دوم آن به نثر است. این دعا مجموعاً دارای بیست و چهار کلمه است و به دو نیمه سی هجایی تقسیم می‌شود. نیمه اول به ترتیب دارای ۱۱، ۱۲، ۷ و نیمه دوم به ترتیب دارای ۱۱، ۷، ۱۲ هجا است. علاوه بر چهار بار خوانده شدن در طول مراسم یسنا، امروزه پارسیان هند آن را در مجلس عروسی به عنوان قسمتی از دعاهای خیر (= آشیرواد āšīrvād) و گاه برای بهبود بیماری و بازیافتن تندرستی می‌خوانند.

ائیریمای ایشیو در متون پهلوی به صورت ērmān xwāhišnīh برگردانده شده است (بارتلمه ۱۹۶۱: ۱۹۹). در زند و ندیداد ۲۲، بند ۹، صفت اوستایی īšyō به معنای «آرزو شده» به صورت xwāstār آمده است.

ائیریمین در متون اوستایی و زردشتی:

ائیریمین/ آریمن/ ایرمان؛ (اوستایی: airiāman-؛ فارسی میانه زردشتی: ēryaman/ ērmān دوست، رفیق، همراه) نام ایزد دوستی و پیوند، درمان‌بخشی و آرامش است. نخستین پزشک مینوی است که در برابر هزاران دردی که اهریمن می‌آورد، او درمان عرضه می‌کند.

لغت اوستایی احتمالاً مرتبط است با -airya «آریایی» (سنسکریت: arī- «بیگانه، غریب»، ar(i)yā- «متعلق به بیگانه؛ آقا، ارباب»، -āryaka «مرد قابل احترام، میهمان») مشتق از

هندواروپایی: -al* «به سمت بیرون، به سوی خارج». بدین ترتیب لغت اوستایی: -airiīaman احتمالاً به معنی «غریبه، بیگانه» بوده و سپس معنی «دوست، همدم، مهمان» یافته است (حسن دوست ۱۳۸۳: ۱۴۹).

در دانشنامهٔ مزدیسنا (اوشیدری ۱۳۷۱: ۴۵) در ذیل مدخل/اَئیرِیامن چنین آمده است: «در اوستا، ائیرِیامن به طبقهٔ پیشوایان دینی و روحانیون اطلاق شده است... ایرمان جزو یکی از طبقات سه گانه اجتماعی ایران قدیم یعنی پیشوایان بوده، اما در ادبیات ما به معانی مختلف مانند مولا یا چاکر و بنده و به ویژه مهمان آمده است. در اوستا اسم یک ایزد و یک رهاننده است. در بندهش، ایرمان ایزدی است که درد جهانیان را دارو و درمان بخشد. پورداوود ائیرِیامن را به پیشوایان ترجمه کرده است... واژهٔ ایشیه صفت ائیرِیمن و به معنی آرزو شده یا عزیز است، اما ائیرِیمن که به معنی یار و دوست آمده در گات‌ها از برای تعیین طبقهٔ پیشوایان دینی در مقابل رزمیان و برزگران استعمال گردیده است...»

در نام‌گذاری سه طبقهٔ اجتماعی (-pištra) در ایران باستان نیز نام ائیرِیمن دیده می‌شود: ۱- خوئتو (-x^{va}ētu) سپاهیان، گروه آزادان. ۲- ائیرِیمن، گروه موبدان. ۳- وِرَزَنَه (-vərəzāna)، گروه کشاورزان و دامداران.

نیبرگ (۱۳۵۹: ۹۰) دربارهٔ ارتباط بین ائیرِیمن به عنوان نام یک طبقهٔ اجتماعی با ائیرِیمن به عنوان نام ایزد شفابخشی می‌گوید: «در وندیداد ۲۲ این خدا نقش مهمی به عهده دارد که از آن جمله است، خدای تن‌درستی. این خدا مسلماً چیزی جز شخصیت یافتن گروه موبدان، یعنی یک خداوند جمعی از نوع معمولی نیست. این که این خدا، یک خدای درمان‌گر شده است، از این جا دانسته می‌شود که از جمله مهارت‌های گروه موبدان طبیعتاً فن درمان‌بخشی ابتدایی نیز شمرده می‌شد.»

در ادبیات فارسی این نام «ایرمان» شده و در شاهنامه به معنی دوست و مهمان و سرور آمده است:

«چو موبد پدید اندر آمد ز در ابا او یکی ایرمانی دگر»

غالباً تنها به معنی مهمان به کار رفته و ترکیب «ایرمان سرای» به معنی سرای سپنج و خانه عاریت آمده است (دوستخواه ۱۳۷۰: ۹۳۹).

در اوستا خویشکاری درمان بخشی ایزد ائیریمن مشخص تر از سایر ایزدان بیان شده است اگرچه در آبان یشت، بندهای اول و دوم، اهورامزدا آنها را با عنوان درمان بخش و کسی که زایمان زنان را تسهیل می‌بخشد به زردشت معرفی می‌کند و همچنین در بند ۴۳ تیشتر یشت گفته شده که تیشتر با افشاندن آب همه آفریدگان را می‌شوید و درمان می‌کند (زرشناس ۱۳۸۹: ۱۰۴). در هرمزدیشت نیز، بندهای ۷ و ۸، اهورامزدا خود را سرچشمه دانش و آگاهی می‌داند و عنوان می‌کند که پزشک همه مردمان است و در بند ۱۴ اردیبهشت یشت نیز این امشاسپند کسی است که قادر است بیمارترین بیماری‌ها را براندازد و با بیمارترین بیماری‌ها بستیزد.

در باب بیست و دوم وندیداد آمده است، اهورا مزدا به زردشت می‌گوید «من که اهورامزدا، دهنده نعمتها هستم، کسی هستم که این خانه (دنیا) را زیبا و روشن و خوش اندام ساختم» تا هنگامی که اهریمن پُرمگ از روی حسد و برای از بین بردن آفرینش اهورایی ۹۹۹۹۹ بیماری به وجود می‌آورد و اهورامزدا از «کلام مقدس» می‌خواهد تا برای آنها درمانی بیاورد و در عوض به او وعده «یک هزار شتر دارای کوهان بلند»، «یک هزار گاو چاق»، «یک هزار از گوسفندان پرواری» می‌دهد اما «کلام مقدس» درمان بیماری‌ها را در توان خویش نمی‌بیند و از آن سرباز می‌زند، پس از آن اهورامزدا به نریوسنگ فرشته می‌گوید که خیلی سریع به خانه ائیریمن رفته، پیغام اهورامزدا را به او برساند. پس ائیریمن با تعجیل و بدون درنگ برای عمل به پیغام اهورا مزدا «به کوه پرسش‌های فزاینده» و «به بیشه پرسش‌های فزاینده» فراز می‌رود و با برگزاری مراسم برش‌نوم در پی نابودی بیماری‌ها بر می‌آید.

آن‌گونه که از این متن استنباط می‌شود اهورا مزدا اول می‌خواهد هر مرض با دعا علاج شود اما این کار تنها با دعا و بدون دانش و اسباب و ادوات لازم، امکان پذیر نخواهد بود.

در بند ۷ فرگرد ۲۰ وندیداد، اهورا مزدا می‌خواهد که بیماری، تب، درد و ناخوشی دور شوند، علیرغم اینکه اهورا مزدا بسیاری از ایزدان را درمانگر معرفی می‌کند وقتی زردشت از او در بند یکم فرگرد ۲۰ سوال می‌کند که چه کسی نخستین بار بیماری و مرگ را به بند کشید، اهورا مزدا پاسخ می‌دهد که «ثریت» نخستین پزشک خردمند و درمانگر است. او نخستین کسی بود که به جستجوی داروها و شیوه‌های درمان پرداخت و شهرپور امشاسپند که نگهبان فلزات است کاردی زرنشان به «ثریت» می‌دهد. در نتیجه می‌توان گفت «ثریت» نخستین کارد پزشک نیز بوده است (وندیداد، فرگرد ۲۰).

ائیریمین و فرشکرد

بنابه روایتی در پایان جهان، سوشیانس‌ها که نجات دهندگان بشریت هستند، دعای «آ ایریما ایشیو» را می‌خوانند تا از اریامن بخواهند که همه بیماری‌های روی زمین را از بین ببرد.

هم‌چنین این ائیریمین است که در روز رستاخیز به هنگام آزمون بزرگ که گناهکاران را با فلز گداخته از نیکوکاران جدا می‌سازند، ایزد آذر را یاری می‌دهد (بویس ۱۳۷۴: ۷۶).

«ایزد آریامن آورنده درمان و داروهای شفابخش است و رامش. وی به شفای کیهانی نیز می‌پردازد و چنین پیداست که چاره‌گر دیو آز است و برای نابودی این سرکرده دیوان است که اردیبهشت امشاسپند پیش از رستاخیز به یآوری اریامن بر زمین می‌آید و آفریدگان هرمزدی را به بیگناهی و ناگشتن گوسفندان فرا می‌خواند (گزیده‌های زادسپرم، فصل سی و چهارم، بند ۳۸). در پایان جهان نیز همراه با آتش فلزات نهفته در کوه‌ها را می‌گدازد تا با گذار از آن رود گداخته، همه آفرینش تطهیر

شود. پیوستاری این نقش‌های چندگانه ایزد اریامن را باید ناشی از این پنداره بنیادین شمرد که برای رسیدن به پاکیزگی آغازین و رهیدن از درد آمیزش با بدی‌های اهریمنی، اراده و اقدام انسانی شرط است. پس نیز ناگزیر خواستن فرزند و تداوم نسل مرد پرهیزگار و زادگان کیومرث تا رستاخیز و پایان عمر دوازده هزار ساله جهان ضرورت دارد و این زادن فرزند و تداوم نسل بشر است که درمان نهایی خواهد بود برای شفای درد دست اندازی اهریمن و دیوان بر آفرینش هرمزدی و هستی و «بودش» مردم و رستگاری فرجامین جهان» (مزدآپور ۱۳۷۸: ۲۴۲)

ائیریمن و مراسم ازدواج

در مورد ارتباط این ایزد با مراسم ازدواج و نیز اردیبهشت امشاسپند، مزدآپور (۱۳۷۸: ۲۴۱) این چنین آورده است: «نیایش موسوم به ائیریمن ایشیه «بخشایش آرزو شده راستی»، در زند به «ایرمان خواهی» (ērmān xwāhišnīh) برگردان شده است. ائیریمن ایشیه در خطابه عقد ازدواج خوانده می‌شود و دستور مهرگان سیاوخش در کتاب آیین دین زردشتی، در باره فرگرد بیست و دوم وندیداد می‌آورد: «این سوره در وصف فرشته ائیریمن نام است و این ملک ربّ مناکحت باشد. در این مقام آمده است که از تلقین طهارت و تعلیم نظافت، این موکل سور و دامادی توانایی دور کردن بیماری‌های بی‌شمار دارد که از دفع آن‌ها وسایل رفاهیت بنی‌آدم فراهم می‌آید» (حاشیه صفحه ۲۵۳؛ «سور» در زبان دری زردشتی به معنای «عروسی» است). نیز آتش را که نماد اردیبهشت، بهترین راستی است، با این امشاسپند یکی شمرده و آتش را هم پسر هرمزد خوانده‌اند: پس اردیبهشت / آتش پسر هرمزد است و با دعای «ائیریمن ایشیه» و فرگرد بیست و دوم وندیداد پیوستگی می‌یابد».

نکته قابل ذکر دیگر در مورد این دعا، محل قرارگیری آن در بین دیگر متون اوستایی است. این نیایش در یسن ۵۴، پشت سر آیین زناشویی در یسن ۵۳ قرار دارد، که البته این مسئله نمی‌تواند تصادفی باشد. روحانیون و دین‌مردان در آیین زناشویی نقشی بسیار مهم بر عهده داشته‌اند. ائیریمن به

احتمال زیاد معرف گروهی از موبدان و دین‌مردانی بوده که در مراسم زناشویی شرکت می‌کردند، و شاید هم در اصل ایزد زناشویی دین آریایی کهن بوده است (نیبرگ ۱۳۵۹: ۲۷۱).

برخی از محققین به همانندی‌هایی بین ائیریمن/ اریمن هندوایرانی با دیگر نام‌های اساطیری هندواروپایی اشاره کرده‌اند. مثلاً کویاجی (۱۳۷۱: ۳۶) درباره شباهت اریمن با آرتور، این گونه آورده است: «حضور عناصر شرقی در داستان‌های آرتوری تقریباً مسلم شده است؛ اما هنوز هیچ کس در این زمینه تحقیق نکرده است. برای مثال استاد «سر جان ریس» نام «آرتور» را با نام «آریمن» خدای هندوایرانی می‌پیوندد». کویاجی (همان، ۶۴ و ۹۰) به ارتباط اریمن با «ایرم» (Airem)، نیای ایرلندی‌ها نیز اشاره می‌کند: «در هر حال باید یادآوری کرد که هرگاه آرتور با اریمن پیوستگی داشته باشد، به گونه‌ای نامستقیم با میثرا (مهر) نیز پیوند می‌یابد، زیرا اریمن یک خورشید-خدا است و با مهر مشابهت بسیار دارد. چنان که «سیر آ. ب. کیث» می‌گوید: اریمن که خصلتی هندوایرانی دارد- و حتی می‌توان او را به «ایرم» نیای ایرلندی‌ها منسوب دانست- در عمل هیچ وجه تمایزی ندارد که سرشت مهربان او را از قرینه وی میثرا جدا کند».

ائیریمن در متون ودایی

ائیریمن اوستایی در زبان سنسکریت به صورت **अर्यमन्**-aryamán (صورت فاعلی: aryamā) به کار رفته و دارای معانی مختلفی از جمله موارد زیر است: «دوست صمیمی، هم‌بازی، رفیق و معاشر به ویژه دوستی که زنی را برای دیگری دلالتی کند، نام یکی از آدیتیه‌ها (که معمولاً همراه با ورونه و میثرا و گاه با بگه و بریهسپتی به یاری خوانده می‌شود)، رئیس و سرور ارواح درگذشتگان و نیاکان، کهکشان راه شیری را راه و معبر او (aryamñāḥ pánthāḥ) می‌دانند، آفتاب، خورشید، خدای روز، موکل آفتاب، گیاه آسکلپیاس، و ...» (جلالی نائینی ۱۳۷۵: ۱۸۲ و مونیو ویلیامز

(۱۸۹۹: ۹۳)

در سنسکریت آریمَن، یکی از ایزدان کهن هندوایرانی است. در «ریگ ودا» او یک «آدیتیه» شمرده شده است که به ندرت او را به تنهایی می‌ستایند. تعداد «آدیتیه‌ها» در متن‌های گوناگون متفاوت است. این آدیتیه‌ها تجسم اندیشه‌های تجریدی‌اند. در این میان، دو ایزد «اریمَن» و «بهگه» از دیگران برجسته‌ترند. همتای اوستایی آنان «اثریمَن» و «بَغَه» هستند که با اهوراها پیوستگی نزدیکی دارند.

اریمَن ودایی ارتباط خاصی با میترا دارد و در دو نوبت در اسم مرکب دوتایی میترا-اریمَن، ظاهر می‌شود. این نام در گاهان همراه و مترادف با کلمه «هَشی haši» به معنی دوست و همراه آمده است. البته، تیمه معتقد است در سنت هندوان سه گونه دوست وجود دارد: میترا= دوست ناشی از پیمان، اریمَن= دوست ناشی از مهمان‌نوازی و سکا= دوست ناشی از محبت (بویس ۱۳۷۴: ۷۵ و ۱۱۶).

اریمَن و دَکَشَه در وداها در دومین مقوله خدایان اصلی آسمانی قرار می‌گیرند. اریمَن معرف صفت جوانمردی، متعلق به عالم صغیر است. همانگونه که وظیفه قشر کشاتریا (= سلحشوران، جنگاوران) حفظ شئون طبقة اشراف و ایجاد توازن اجتماعی میان اقشار مختلف است، اریمَن به عنوان رب‌النوع این صفت، ضامن پاسداری از این موازین و شئون جامع است. اریمَن مسئول تنظیم معاهده‌های ازدواج، مراسم مهمان‌نوازی، آداب جوانمردی و حفظ سنن و قوانین دینی است (ذکرگو ۱۳۷۷: ۴۵).

اریمَن در برخی منابع، نام دیگری برای سوریه (Surya) ایزد خورشید و سرور ارواح نیاکان عنوان شده است. همچنین به همانندی او با ایرمین (Irmin) خدای جنگ و طوفان در اسطوره‌های ساکسونی و ژرمنی باستان (شبيه Odin اسطوره‌های نورد) اشاره شده است. ژرمن‌های باستان کهکشان راه شیری را مسیر و معبر ایرمین می‌نامیدند. در متون سنسکریت نیز کهکشان راه شیری را گذرگاه اریمَن (aryamaṇḥ pánthāḥ) گفته‌اند (ویکی‌پدیای انگلیسی، مدخل Aryaman).

ائیریمن در متون مانوی:

بدیهی است که ائیریمن به عنوان ایزدی شفابخش محبوبیت زیادی داشته و در طول زمان از این محبوبیت کم نشده است. به همین جهت هنگامی که در قرن ۳ میلادی مبلغین مانوی در ایران، به جهت به کیش خویش در آوردن مردم، تعمداً و آگاهانه خدایان مانوی را با ایزدان دین زردشتی همانند می‌کردند، عیسی الهی را که چهره اصلی در انجیل مانی است، با ائیریمن همانند و یکی قلمداد کردند و او را «ییشو آریامان» (Yišō Aryāmān) نامیدند. علت این کار ممکن است فقط نوعی بازی با کلمات ییشو (yišō) و ایشیو (išyō) بوده باشد، ولی با این حال زمینه‌های اعتقادی و عقیدتی نیز برای این هماندنگاری وجود داشت، چرا که هر دو، هم عیسی مسیح و هم ائیریمن، شفابخش و درمان‌گر به حساب می‌آمدند. این پیوستگی می‌توانست برای مانویان دارای ارزشی واقعی بوده باشد، چرا که ائیریمن ایزدی محبوب در ایران دوره ساسانی بود (بویس ۱۹۸۴).

در بند ۲ قطعه C مانوی به زبان فارسی میانه درباره این ایزد این‌گونه آمده است: «من مانی، فرستاده عیسی اریامان» (= عیسی دوست) به کام پدر، ایزد راستین، آن که من از او بودم... همه هست، و هرچه بود و باشد، به نیروی او ایستد. فرخان این مژده را پذیرند، زیرکان شناسند، تهمان در پوشند، دانایان بهتر...» (میرفخرایی ۱۳۸۳: ۷۹)

روش کار:

این پژوهش شامل مقدمه و پنج فصل است. فصل اول شامل متن اوستایی «اردیبهشت یشت و دعای ائیریمای ایشیو» ویراسته گلدنر است. فصل دوم آوانویسی این دو متن اوستایی بر اساس شیوه هوفمان است. فصل سوم ترجمه فارسی و فصل چهارم شامل یادداشتهای این دو متن می‌باشد. در یادداشتهای واژه‌ها و عبارات و اصطلاحاتی که نیاز به توضیح بیشتر داشته‌اند با ارجاع به شماره هر بند آمده‌اند. فصل پنجم شامل واژه‌نامه است که به جز فعل‌ها که به صورت افزوده آمده‌اند باقی کلمات به صورت ضعیف ذکر شده‌اند. در مقابل هر مدخل، ابتدا مقوله دستوری به همراه معنای آن و سپس صورت‌های صرفی آن ستاک همراه با حالت و جنس و شمار آن آمده است. همچنین شماره هر بند نیز با ذکر صفحه‌ای که در فرهنگ بار تلمه آمده مشخص شده است.

فصل اول

متن اوستایی اردیبهشت یشت

و

دعای ائیریمایشیو

